پرتره

بازگشت شهاب حسینی در عیدفطر

کارگردان فیلم «لابیرنت» از اکران احتمالی این اثر سینمایی در عیدفطر خبر داد. شهاب حسینی، نقش اصلی این فیلم را بازی می‌کند.

به گزارش ایسنا، لابیرنت اولین تجربه بلند سینمایی امیرحسین ترابی است که با بازی شهاب حسینی و ساره بیات متقاضی شرکت در جشنواره ملی فجر بود، اما به جشنواره راه پیدا نکرد و دو ماه بعد از آن فقط در بخش بازار جشنواره جهانی به نمایش درآمد که بازخورد خوبی هم از سوی تماشاگران گرفت.

او درباره این استقبال و در پاسخ به این‌که چرا فیلمش در بخش ملی فجر نبود به ایسنا گفت: اگر دو ماه پیش قرار بود به این سؤال پاسخ دهم شاید جواب دیگری داشتم، اما الان با گذشت این مدت، فقط باید بگویم این سلیقه هیات داوران بوده که فیلم لابیرنت انتخاب نشود. در حال حاضر خوشحالم که فیلم در جشنواره نبود چون وقتی فیلم‌های بخش نگاه نو را می‌دیدم که بعضی از آنها با کیفیت پایین حضور داشتند، احساس می‌کردم خوب شد که فیلم من در این بخش نبود، چون بعضی از فیلم‌ها در حد استانداردهای حضور در جشنواره نبودند.

او افزود: بنابراین به جز سلیقه هیات داوران، این‌که دلیل دیگری وجود داشته یا خیر را اطلاعی ندارم.

ترابی درباره برنامه‌ریزی برای اکران عمومی و جشنواره‌ای فیلمش هم گفت: پخش کننده داخلی، خانه فیلم با مدیریت سعید خانی است و در تلاش برای اکران اول یا دوم عید فطر هستیم. تا آن زمان ممکن است در جشنواره‌های خارجی هم شرکت کنیم، چون لابیرنت در بازار جشنواره برلین نمایش گسترده داشت و از سوی چند جشنواره درخواست‌هایی برای فرستادن فیلم داشتیم که هنوز جواب قطعی نگرفته‌ایم.

این کارگردان جوان درباره حضور شهاب حسینی در لابیرنت که هیچ‌کدام مانند دیگر فیلم‌های سال قبلش به جشنواره راه نیافتند، گفت: وقتی بازیگری با سابقه کاری شهاب حسینی قبول می‌کند در تجربه اول کارگردانی بازی کند حتما می‌داند که چه اثری را انتخاب کرده است. او تجربیات خود را در سینمای حرفه‌ای انجام داده و دوست دارد در فضای فیلم‌های اول و کمك کردن به جوانان پیشقدم باشد تا بتواند یك ایدئولوژی درستی را به چرخه سینما وارد کند و این برای جوان‌هایی که دوست دارند در کارشان با یك گروه حرفه‌ای کار کنند اتفاقی فوق‌العاده خوب است.

ترابی با اشاره به داستان فیلم اولش و این‌که گاهی یك خطا مشکلات متعددی را مثل لابیرنت ایجاد می‌کند و چنین داستان‌هایی می‌تواند تلنگری به همه ما باشد، درباره فیلم جدیدش گفت: من طرفدار قصه و سینمای داستانگو هستم و دوست دارم تماشاگر به چالش کشیده شود به همین دلیل قصه‌ای که برای فیلم جدیدم می‌نویسم هم با چنین ویژگی‌هایی است.

شهاب حسینی، ساره بیات، غزاله نظر، فریبا جدی‌کار، علیرضا ثانی‌فر، مریم معصومی، شیرین یزدان بخش، مهسا باقری و پژمان جمشیدی بازیگران لابیرنت هستند.

بررسی میزان توجه سران قوا به جایگاه و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی

ماجرای یک شورای عالی

محمدصادق علیزاده
فرهنگ و هنر

دعوت شده... دعوت نشده... دعوت شده... دعوت نشده! چند روزی هست که دعوت شدن یا نشدن دو عضو حقیقی شورای‌عالی انقلاب فرهنگی، شده بحث اصلی رسانه‌ها. این‌که قرار بوده اولین جلسه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی در سال جدید برگزار شود؛ اما گویا بر حسب خواسته دولت، برای دو عضو (ضرغامی و رحیم‌پور ازغدی) که از قضا از منتقدان رئیس جمهور و وضع موجود شورا هم هستند دعوتنامه‌ای ارسال نمی‌شود. در نهایت هم کشاکش بین طرفین به جایی می‌رسد که جلسه شورا که قرار بوده قرارگاه فرهنگی کشور باشد هنوز که هنوز است برگزار نشده. با این احتساب آخرین جلسه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی مربوط به دی‌ماه سال گذشته است و الان بعد از گذشت حدود پنج ماه هنوز جلسه این شورا برگزار نشده است. بردن شورا زیر ذره‌بین اما نشان می‌دهد قضیه از آنچه که در رسانه‌ها مطرح می‌شود عمیق‌تر است. به قدری عمیق که دعوت شدن یا نشدن دو عضو برای برگزاری جلسه شاید خیلی امر مهمی نباشد. در این گزارش سعی کرده‌ایم نگاهی به وضعیت فعلی شورا بیندازیم.

اعضای شورا چه کسانی‌اند؟

شورای‌عالی انقلاب فرهنگی مرکب از دو نوع اعضاست؛ اعضایی که به سبب جایگاه حقوقی‌شان عضو این شورا هستند. وزیر ارشاد، رئیس سازمان صداوسیما، مسؤول نهاد نمایندگی ولی‌فقیه در دانشگاه‌ها، روسای کمیسیون‌های فرهنگی، بهداشت و آموزش مجلس شورای اسلامی و حتی خود شخص رئیس جمهور از اعضایی محسوب می‌شوند که به دلیل مسؤولیت نهادی که بر عهده دارند به عضویت شورا درآمده‌اند. به‌جز این افراد، افرادی هم وجود دارند که عضو حقیقی محسوب می‌شوند و مهم نیست چه مسؤولیتی دارند. دو نفری که در مقدمه گزارش بحث‌شان شد و گویا به جلسه اخیر تشکیل نشده شورا در سال جدید هم دعوت نشده‌اند در زمره افراد و اعضای حقیقی شورا محسوب می‌شوند.

بعد از ۵ ماه

برای اطلاع از عملکرد و وضعیت شورای‌عالی انقلاب فرهنگی، شاید آرشیو مصوبات و جلسات شورا، گزینه مناسبی برای بررسی باشد. طبق این لیست، آخرین جلسه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی مربوط به ۱۱ دی ۹۷ است. جلسه‌ای که البته موضوع اصلی آن هم انتخاب دبیر جدید شورا بوده است. با این احتساب اگر این جلسه را هم در نظر نگیریم، آخرین جلسه به تاریخ ۱۷ مهر سال گذشته بازمی‌گردد.

بدون رئیس جمهور هرگز!

به عبارت ساده‌تر، مهم‌ترین قرارگاه فرهنگی کشور حدود پنج ماه یا به عبارت دیگر حدود هفت ماه است که هیچ جلسه‌ای نداشته است. در مقام مقایسه شاید بد نباشد بدانیم در دی ماه ۹۶ تا اردیبهشت ۹۷ نشان می‌دهد که شورا دو جلسه برگزار کرده است. اطلاعات ما در جام جم حاکی از علاقه شدید آقای رئیس جمهور برای حضور در این جلسات است. اتفاقی که نفس آن می‌تواند یك اتفاق مبارك تلقی شود. با این حال ظاهرا همین نقطه قوت هم در سال‌های اخیر تبدیل به چشم اسفندیار شورا شده است. فارغ از بعضی از اختلافات آقای رئیس با بعضی اعضای شورا مانند نمونه‌ای که شرحش در بالا رفت، مشغله‌های متعدد نفر اول دستگاه اجرایی کشور خود مانع مهمی برای تشکیل این جلسات شده است. با این اوصاف به نظر می‌رسد جناب رئیس جمهور علاقه‌ای ندارد که شورای‌عالی انقلاب فرهنگی بدون حضور او تشکیل جلسه داده یا مصوبه‌ای را تصویب کند.

چاره چیست؟

فارغ از همه اختلافات درونی که در هر سازمان و نهادی وجود دارند سؤال اساسی آنجاست که اگر رئیس جمهور واقعا زمان کافی برای برگزاری مرتب این جلسات ندارد؟ آیا باید منتظر ماند تا وقت نفر اول دستگاه اجرایی کشور خالی شود و در ادامه، برنامه‌ریزی برای برگزاری جلسه شورایی در این جایگاه شود؟ آیین‌نامه داخلی شورا برای چنین مساله‌ای هم تدبیر لازم را اندیشیده است. مهم‌ترین اعضای شورا را می‌توان سران سه قوه دانست. هرچند رئیس جمهور در مقام رئیس قوه مجریه، رئیس شورای‌عالی انقلاب فرهنگی هم محسوب می‌شود اما طبق آیین‌نامه، روسای قوای مقننه و قضاییه به ترتیب نایب‌های اول و دوم آقای رئیس محسوب می‌شوند. به بیان ساده‌تر، علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی نایب اول و صادق آملی لاریجانی (تا همین چند وقت قبل) و سیدابراهیم رئیسی از زمان نصب در ریاست قوه قضاییه نایب‌رئیس دوم شورا محسوب می‌شوند. روی دیگر این صحبت‌ها به آن معناست که این نواب می‌توانند پیگیری و مطالبه برگزاری مرتب و منظم جلسات را داشته باشند.

برادران غایب

اینجاست که مشکل دیگری بروز می‌کند. اعضایی که در کنار رئیس جمهور به عنوان مهم‌ترین اعضای شورا محسوب می‌شوند خودشان در زمره اعضای نامنظم قرار گرفته‌اند. علی لاریجانی، رئیس مجلس و نایب‌رئیس اول شورا از ده جلسه گذشته در ۹ جلسه غایب بوده است. تنها حضور دکتر لاریجانی در ده جلسه گذشته به جلسه یازدهم دی‌ماه سال گذشته بازمی‌گردد که قرار بوده دبیر جدید شورا انتخاب شود. صادق آملی لاریجانی (رئیس سابق قوه قضاییه) که در دوران مسؤولیتش در دستگاه قضا، نایب‌رئیس دوم شورا محسوب می‌شده هم کارنامه متفاوتی ندارد و در ده جلسه گذشته شورا هیچ حضوری نداشته و کلا غایب بوده. با این احتساب ظاهرا امید این‌که نواب رئیس باید محل تاثیر باشند هم چندان نزدیك به واقعیت نیست مگر این‌که رئیس جدید قوه قضاییه سیره دیگری در پیش بگیرد.

امضا نمی‌کنم!

درست است که بخشی از وظایف شورا ناظر به برگزاری جلسات و حضور اعضای حقیقی و حقوقی آن و تصویب تصمیم‌های اتخاذ شده است اما در زمان برگزار نشدن این جلسات هم باید فرآیندهای اداری و قانونی آن انجام گیرد. یکی از این امور، امضا و ابلاغ مصوباتی است که در جلسات گذشته شورا به تصویب اکثریت اعضا رسیده‌اند. رئیس جمهور در مقام ریاست شورا باید این مصوبات را امضا و برای اجرا به دستگاه‌های مربوط اجرایی ابلاغ کند. ظاهرا کمیت این بخش قضیه هم لنگ است. حدود ده مصوبه از مصوبات شورای‌عالی انقلاب فرهنگی توسط آقای رئیس جمهور امضا نشده‌اند. مصوباتی که بعضا از تصمیم‌های مهم شورا هم محسوب می‌شوند. تعدادی از مصوبات مربوط به سند نقشه جامع علمی کشور و تغییرات جدید در اساسنامه سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان از جمله مهم‌ترین این مصوبات محسوب می‌شوند.

اصلاح ساختار شورا چاره‌ساز است؟

بخشی از موارد تشریح شده در بندهای قبل شاید ادعای بعضی منتقدان را به ذهن متبادر کند که خروجی‌ها و مصوبات شورای‌عالی انقلاب فرهنگی با ساختار فعلی خود، تضمین اجرایی چندانی ندارد. این‌که آیا چنین نقدی تا چه درست است یا نه، شایسته تامل بیشتری است، روند فعلی اما گویای این است که ظاهرا پیش و بیش از ساختار، نقد را باید به بعضی از مهم‌ترین اعضای شورا وارد دانست که در جایگاه مهم‌ترین قوای حاکمیتی نظام یا به اهمیت عضویت در شورایی در این سطح واقف نیستند یا این‌که محلی از اعراب برای شورا قائل نیستند. به نظر می‌رسد حل این مشکل، مقدم بر اصلاح ساختار شوراست.

ستادی که شورا شد

بهار ۱۳۵۹ بود. هنوز حال و هوا و التهابات انقلاب و وقایع سیاسی نخوابیده بود که پیام منتشر شده از امام خمینی(ره) خیلی‌ها را متعجب کرد. امام در همان اولین ساعات پس از تحویل سال در فروردین ۵۹ و اولین روز عید با انتشار پیامی خواستار انقلاب اساسی در دانشگاه‌های سراسر کشور و تصفیه اساتید مرتبط با شرق و غرب شده بود. ۸۵ روز بعد بود که پس از دیدار مقدماتی شورای انقلاب با بنیانگذار جمهوری اسلامی و در ادامه هم برچیده شدن دفاتر گروهك‌های مختلف سیاسی در دانشگاه‌ها، با دستور امام خمینی(ره) سنگ بنای جایگاهی گذاشته شد که امروز به نام شورای‌عالی انقلاب فرهنگی شناخته می‌شود: «ستاد انقلاب فرهنگی.»

وظیفه ابتدایی ستاد انقلاب فرهنگی، تعیین سیاست‌ها و خط مشی‌های کلی فرهنگی در دانشگاه‌ها بود. با این حال در شهریور سال ۶۲ با توجه به نظر امام(ره) مبنی بر لزوم ترمیم و تقویت ستاد و به خصوص حضور مسؤولان اجرایی در آن و به دنبال نامه رئیس جمهور وقت (آیت‌ا... خامنه‌ای)، امام(ره) طی نامه‌ای به پیشنهاد رئیس جمهور مبنی بر ترمیم و تکمیل ستاد انقلاب فرهنگی پاسخ دادند و از این تاریخ ستاد با ترکیب جدید به فعالیت خود ادامه داد. نخست‌وزیر، وزرای فرهنگ و آموزش عالی و فرهنگ و ارشاد اسلامی از کسانی بودند که به ترکیب اضافه شدند. در سال ۶۳ با فرمان امام(ره)، نقش‌های شورا هم گسترده‌تر شد: «خروج از فرهنگ بدآموز غربی و نفوذ و جایگزین شدن فرهنگ آموزنده اسلامی، ملی و انقلاب فرهنگی در تمام زمینه‌ها در سطح کشور آن چنان محتاج تلاش و کوشش است که برای تحقق آن سالیان دراز باید زحمت کشید و با نفوذ عمیق ریشه‌دار غرب مبارزه کرد.» تکمیل و تصحیح این مرتبه ستاد توسط امام خمینی(ره)، تبدیل همان مسیری است که در ادامه توسط حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای هم پیگیری شد تا جایی که این شورا از دید رهبر انقلاب به عنوان قرارگاه اصلی فرهنگی کشور معرفی می‌شود.

پشت صحنه

سه‌گانه انتقادی امروز

«...از ابرها، آن تکه که تویی نخواهد بارید»

وقتی نیم‌قرن پیش هوشنگ چالنگی این سطر را در آغاز یکی از درخشان‌ترین شعرهایش می‌نوشت، هوای تهران چگونه بود که آقای شاعر به تفکیك ابرهای آسمان پرداخته بود؟ یك ابر زبر، یك ابر نرم، یك ابر سیاه، یك ابر سفید. نیم‌قرن پس از نوشته‌شدن آن شعر، دیروز یکی از این ابرها که نمی‌بارید، ما را در تحریریه جام‌جم در میرداماد غافلگیر کرد. در ایوان کوچك گروه اجتماعی باز بود که توفان شد و باران داخل زد. چند لحظه‌ای بیشتر طول نکشید که آفتاب برآمد و سوزاند و ما در آسمان تهران تکه‌ابری دیدیم که وسط آن باد و باران، نمی‌بارید و نهایتا به همسایه‌هایش فائق آمد و مچشان را خواباند، کنارشان زد و خورشید را نشاند آن وسط.

خلاصه، این آسمان بالای سر ما، وصفِ گروهمان هم بود... یك تکه از ابرهای‌مان که مرتضایی‌فرد پر شر و شور باشد، نمی‌بارید. نبود.

یك تکه از ابرهای‌مان در صفحه ۱۰ می‌بارد؛ آنجا که آذر مهاجر و گهگاه دیوسالار، یك روز مانده به برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران رفته توی نخ مناسبات برگزاری این رویداد فرهنگی تا ببیند آخرین خبرها چیست و بوی بهبود می‌شود از مصلای تهران شنید یا نه. او هم از دردسرهای بی‌ثباتی نرخ ارز و کاغذ که دامنگیر کتاب بازهاست نوشته و هم از پیش‌بینی‌هایی که قبلا مطرح کرده‌ایم و حالا باید ببینیم چقدر به آن گمانه‌ها نزدیك شده‌ایم.

تکه دیگری از ابرها در صفحه ۱۱ می‌بارد... ساناز قنبری که از معدود جماعت نسوانِ بیزار از باران است و آفتابِ پس از باران دیروز حسابی حالش را جاآورد، انرژی گرفته بود تا یقه برگزارکنندگان جشنواره جهانی فیلم فجر را بگیرد. او از این جشنواره و لزوم برگزاری مستقلش با این دبدبه و کبکبه و بریز و بپاش در حال و روز اقتصادی‌مان نوشته و پرسیده این رویداد چه عایدی برای سینمای ایران خواهد شد.

یکی دیگر از خاکریزها [فکر کردید می‌خواهیم دوباره بنویسیم یکی دیگر از ابرها؟!] که اپل حالا فتحش کرده و احتمالا لبخند کجی هم از این بابت حالا روی لبش نشسته، فیدیبو است؛ برنامه‌ای فرهنگی که نسخه دیجیتال کتاب‌ها را می‌فروشد و حالا از اپ استور بیرونش گذاشته‌اند. میثم اسماعیلی که خودش یکی از ابرهای زبر گروه ماست، با مدیرعامل فیدیبو در این باره گفت‌وگو کرده است.

و نهایتا در همین صفحه ۹، محمدصادق علیزاده که در پرداخت سوژه‌های سخت، به سان بارورکننده ابرهای اردیبهشت است، به جای این‌که به دعواهای شورای‌عالی انقلاب فرهنگی بپردازد از در بغل وارد شورا شده و به ماجرایی دیگر پرداخته. این‌که چرا اهمیت مصوبات این شورا به هیچ گرفته می‌شود و سران قوا، به عنوان اعضای حقوقی این شورا آن را چندان جدی نمی‌گیرند.